

ضمیمهٔ پیام‌های آسمان

ویژهٔ اهل سنت

سال دوم راهنمایی

نردبان آسمان^۱

شرایط نماز صحیح

نماز جماعت که تمام شد، نادر از صف جلویی آمد و کنار من نشست :

– سلام

– آهسته سلامش را جواب دادم و با او دست دادم، نادر گفت : «ذکرهای پس از نماز را که

خواندی، بلند شو تا برویم.» گفتم : نادر جان! هیچ می دانی باید نمازت را دوباره از اول بخوانی؟

– چرا؟

– برای اینکه نمازی که الآن خواندی باطل بود!

نادر خیلی تعجب کرد. دوباره پرسید : چرا؟

– من پیراهنت را بعد از نماز دیدم، پشت آستینت خونی بود، با لباس نجس نمی شود نماز خواند.

– تو مطمئنی؟

– باور نمی کنی؟ اینجاست، ببین.

او را کمک کردم تا پیراهنش را بچرخاند و آن را ببیند، وقتی آن را دید گفت :

– این که فقط یک قطره خون است؛ یعنی این مقدار خون، نماز را باطل می کند؟

– کاری ندارد، برویم از امام جماعت بپرسیم.

با هم رفتیم و کنار آقای میناگری امام جماعت مسجدمان نشستیم. وقتی که بعد از سلام و

احوال پرسید، ماجرا را برایش تعریف کردیم، با متانت و حوصله گفت :

– ببینید بچه ها، اگر نمازگزار در هنگام نماز، نجاستی بر بدن یا لباس خود مشاهده کند، باید

نمازش را قطع کند و آن نجاست را پاک نماید و دوباره نماز بخواند و نیز اگر بعد از نماز متوجه شد که

بر بدن یا لباسش نجاستی بوده، باید نجاست را پاک کرده و نمازش را دوباره بخواند.

۱- جایگزین صفحات ۴۱ (ابتدای «شرایط نماز صحیح») الی ۴۴ (ابتدای «بیشتر بدانیم»)

— آقای میناگری! پس با توجه به این فرمایش شما، نماز من باطل است؟

— نه نادر جان، باطل نیست.

— مگر خون نجس نیست؟

— چرا نادر جان، نجس است اما اگر به اندازه یک سکه از خون خود انسان بر بدن یا لباسش باشد، نماز با آن صحیح است. ولی اگر از خون دیگران یا خون حیوانات باشد، باید حتماً شسته شود به گونه‌ای که بوی خون از آن به مشام نرسد، حال اگر رنگ آن هم کاملاً پاک نشد، ولی اثر ضعیفی از آن باقی ماند، نماز با آن صحیح است.

من پرسیدم: بیخشید آقا من شنیده‌ام به جز خون خود انسان (آن هم در حد یک قطره)، برخی از نجاست‌های دیگر هم اگر بر بدن یا لباس نمازگزار باشد، نمازش صحیح است.

— بله پسر، نجاست اندکی که با چشم دیده نشود و همچنین خون حشراتی که خون جاری شونده‌ای ندارند (مانند پشه) از این موارد است، همچنین گل و لای کوچه و بازار که معمولاً در روزهای بارانی و در هنگام راه رفتن در معابر بر لباس می‌نشیند، (در صورتی که انسان یقین ندارد که نجس است)، پاک به حساب می‌آید و ادای نماز با آن صحیح است و اگر یقین داشت نجس است، ادای نماز با آن صحیح نیست، البته همین گل و لای نجس هم، اگر کم و ناچیز باشد، باز نماز با آن صحیح است.

علاوه بر لباس و بدن، مکان نمازگزار (یعنی جایی که محدوده نماز اوست) هم باید پاک باشد. نماز خواندن بر محل نجس، نماز را باطل می‌کند.

آقای میناگری وقتی دید که ما با علاقه زیاد حرف‌هایش را گوش می‌دهیم ادامه داد: پاک‌ی لباس، بدن و مکان نمازگزار، اولین مقدمه از مقدمات نماز است؛ یعنی کاری است که پیش از نیت (که ابتدای نماز است) باید انجام گیرد، چنین مقدمه‌ای را شرط نماز می‌گویند.

— آقای میناگری، لطفاً شروط نماز را برایمان بگویید! چون می‌خواهم آنها را یادداشت کنم.

— نادر جان شروط نماز چهار چیز است:

۱- پاک‌ی بدن از نجاست، بی‌غسلی و بی‌وضوئی. علاوه بر بدن، باید لباس و مکان نماز هم، پاک و دور از نجاست باشد.

البته در فقه حنفی خون به اندازه یک درهم (سکه)، تفاوتی ندارد چه مال خود فرد مبتلا به باشد یا از کس دیگری باشد، باطل کننده نیست.

۲- آگاهی از اینکه وقت نماز فرا رسیده است، چون هر کدام از نمازهای پنج‌گانه وقت مشخصی

دارد که باید در آن وقت، به جا آورده شود.

- ۳- پوشاندن بدن که آن را ستر عورت می نامند. عورت مردان در نماز، مابین زانو تا ناف است و عورت زنان هم در نماز تمام بدن به جز صورت و دستان تا میچ است. بنابراین آن مقدار از بدن که دیده می شود، اگر از ناحیه عورت باشد، مبطل نماز است.
- ۴- رو کردن به قبله، چون بنا به امر قرآن و دستور رسول خدا (صلی الله علیه و علی آله) باید هنگام نماز رو به قبله ایستاد.

فعالیت کلاسی

با توجه به آنچه خواندیم، کدام یک از نمازهایی که در جدول زیر آمده صحیح و کدام یک باطل است؟		
باطل	صحیح	حکم نماز کسی که این گونه نماز می خواند
		۱- یک ساعت پیش وضو داشته و با وجود آنکه وضویش باطل نشده، باز وضو می گیرد.
		۲- با جوراب نجس نماز می خواند.
		۳- ۵ دقیقه قبل از وارد شدن وقت نماز، شروع به خواندن نماز کرده است.
		۴- خانمی که ساعدش را هنگام نماز نپوشانده است.
		۵- جهت قبله را می داند ولی زاویه دیگری را برای نماز انتخاب کرده است.
		۶- هنگام رکوع و سجود کردن، پیراهنش بالا می رود و پشتش آشکار می گردد.
		۷- هنگام وضو گرفتن دستاش را تا آرنج سه بار می شوید.
		۸- روی سجاده نجس، نماز می خواند.

خودت را امتحان کن.

- ۱- نماز خواندن با لباس نازکی که بدن نماست و پوست بدن در زیر آن دیده می شود چه حکمی دارد؟
- ۲- اگر فردی بر روی تختی نماز بخواند که بر محل نجسی گذاشته شده، اما خود تخت پاک است، نمازش چه حکمی دارد؟

یک فرصت طلایی^۱

باطل کننده‌های روزه عبارت‌اند از:

۱ و ۲- خوردن و آشامیدن

اگر شخص روزه‌دار آب، غذا، دارو و یا هر چیز دیگری را بخورد، حتی اگر خیلی کم باشد، روزه‌اش باطل می‌شود. حتی فرو بردن عمدی غذایی که در میان دندان‌ها باقی مانده است نیز، باعث باطل شدن روزه می‌شود. به همین دلیل به ما سفارش شده است که در ماه رمضان بعد از خوردن سحری، مسواک بزیم تا چیزی از غذا در دهانمان باقی نماند. البته فرو بردن آب دهان برای روزه‌دار اشکالی ندارد.

در مورد نخوردن آب و غذا، عمدی بودن شرط است و در صورتی که انسان از روی فراموشی چیزی را بخورد یا بیاشامد، روزه‌اش باطل نمی‌شود. البته اگر در هنگام خوردن و آشامیدن به یاد آورد که روزه است، باید فوری آنچه را در دهان دارد، بیرون ریخته و دهانش را آب بکشد.

۳- استفراغ کردن

اگر روزه‌دار عمداً کاری کند که حالش به هم بخورد و استفراغ کند، روزه‌اش باطل می‌شود؛ ولی اگر بدون اختیار، حالش به هم بخورد و استفراغ کند، روزه‌اش صحیح است.

۴- دیوانه شدن

در تعالیم اسلام، دیوانه موظف نیست که احکام و دستورات شرعی را انجام دهد.

۵- بیهوشی در تمام روز

اگر روزه‌دار بیهوش شود و بیهوشی او در تمام روز ادامه داشته باشد و یک لحظه به هوش نیاید، روزه‌اش باطل است، اما اگر این بیهوشی در تمام روز ادامه نیابد، روزه‌اش صحیح است. حکم خوابیدن مثل حکم بیهوشی نیست؛ یعنی اگر روزه‌دار در تمام روز بخوابد، روزه‌اش صحیح

۱- جایگزین صفحات ۵۱ (ابتدای «مبطلات روزه») الی انتهای ۵۲.

است هر چند روزه وی مانند روزه دیگر مسلمانان نیست که نمازهایشان را در وقت خود به جا آورده‌اند و از وقت خود در تلاوت قرآن، استغفار، دعا و ... نهایت استفاده را کرده‌اند.

خودت را امتحان کن.

- ۱- توضیح دهید چگونه روزه گرفتن، باعث رسیدگی بیشتر مردم به فقرا و مستمندان می‌شود.
- ۲- چهار مورد از مبطلات روزه را نام ببرید.
- ۳- اگر کسی در ماه رمضان فراموش کند که روزه است و مبطلات روزه را انجام دهد، روزه‌اش چه حکمی دارد؟

زیارت اهل قبور^۱

دین اسلام دین مهربانی و عطف است. به همین جهت به ما امر می‌کند صلوة رحم به جا آوریم و همدیگر را فراموش نکنیم. این کار، دل و درون ما را روشن می‌کند و موجب پرورش فکر و فرهنگ و اخلاقمان می‌شود.

گرچه با مرگ، رابطه دنیوی با مردگان قطع می‌شود، اما یاد آنان می‌تواند رابطه عاطفی و معنوی ما را با آنها حفظ کند. این رابطه با انسان‌های خدایی و صالح، باید برای همیشه حفظ شود، به همین جهت یکی از آداب اسلامی، یاد گذشتگان و رفتن به سر مزار آنهاست.

با رفتن به زیارت اهل قبور هم واقعیت انکارناپذیر مرگ را به یاد می‌آوریم، هم برای رفتگان و عزیزانمان درخواست عفو و بخشش می‌کنیم و نیز با یاد انسان‌های صالح، راه آنها را در پیش گرفته و مسیرشان را ادامه می‌دهیم.

ثمرات زیارت اهل قبور

هفته اول آبان ماه بود که متوجه شدیم، ناصر به مدرسه نیامده است. معلم دینی ما آقای فرشادی پس از حضور و غیاب، یکی از بچه‌ها را به خانه ناصر فرستاد تا دلیل غیبت او را جویا شود. همه ما نگران بودیم که شاید پدرش از دنیا رفته است؛ زیرا پدر ناصر یعنی شریف آقا، مردی زحمت‌کش است که بر روی زمین کوچکشان در ده، کشاورزی می‌کند، او مدتی پیش به سرطان ریه مبتلا شد و در این اواخر در خانه بستری گشت. حالش تا جایی بد شده بود که دیگر نمی‌توانست برای درمان به شهر برود.

پس از چند دقیقه محمود نفس زنان برگشت و بعد از سلام گفت: «آقا! پدر ناصر مُرده است.» آقا معلم بعد از شنیدن این خبر گفت: «انا لله وانا الیه راجعون»^۲

بچه‌ها! مرگ از ولادت طبیعی‌تر است؛ زیرا هر ازدواجی ولادت را به دنبال ندارد، ولی هر کس

۱- جایگزین کل درس «زیارت اولیای خدا»

۲- سوره بقره، آیه ۱۵۶: «ما از آن خدا هستیم و به سوی او بازمی‌گردیم.»

که متولد شد، باید روزی بمیرد. حالا بر خانواده شریف آقا واجب است که چهار کار را در حق او انجام دهند :

۱- او را بر اساس شریعت اسلامی، شست و شو (غسل) دهند،

۲- بعد از غسل، بر او کفن بپوشانند،

۳- بر او نماز بخوانند،

۴- او را دفن کنند.

وقتی که سخن آقای فرشادی به اینجا رسید، اسعد گفت: آقا من فکر می‌کردم شست و شو دادن مخصوص زندگان است.

آقای فرشادی گفت: نه اسعد جان، مخصوص زندگان نیست، اما وقتی افراد به سن و سال شما می‌رسند، نوعی شست و شوی بدن برایشان لازم است. این نوع شستن را که با قصد قربت انجام می‌گیرد و آب به تمام بدن می‌رسد، غسل می‌گویند.

برای کسانی که انجام غسل بر آنها واجب شده است، نماز و طواف آنها باطل است و کارهایی مثل لمس و تلاوت قرآن، حرام است. غسل کردن، چون مقدمه عبادت است، عبادت به حساب می‌آید و با شست و شویی که به این منظور انجام نمی‌شود فرق دارد.

اسعد گفت: «چه فرقی دارد؟» آقای فرشادی گفت: دو فرق دارد: اول اینکه این شستن، نیت دینی دارد، یعنی عبادت است؛ دوم اینکه با روشی مخصوص انجام می‌شود. در غسل کردن دو چیز واجب است:

۱- نیت کردن، یعنی قصد کنیم برای خشنودی خداوند، غسل کنیم

البته در فقه حنفی برای صحت غسل، نیت لازم نیست.

۲- رساندن و ریختن آب بر کل بدن (یعنی همه موها و پوست ظاهری اعضای مختلف بدن).

به یاد داشته باشیم:

● با انجام غسل، هم نشاط را کسب می‌کنیم، هم نظافت را رعایت کرده‌ایم و هم ثوابی را در دفتر اعمالمان ثبت می‌نماییم.

● پیش از انجام غسل، باید نجاست احتمالی بر بدن را پاک کنیم.

● پیش از غسل کردن، باید چیزهایی که مانع رسیدن آب به بدن است، برداشته شود.

● ضمناً سنت است که:

- ۱- پیش از انجام غسل وضو بگیریم (می‌توان پاها را در آخر غسل شست).
 - ۲- موهای سرمان را تخلیل کنیم. یعنی با انگشت آنها را خوب مالش دهیم و بر آن دست بکشیم و سه بار، بر سرمان آب بریزیم.
 - ۳- ابتدا طرف راست، سپس طرف چپ بدن را با آب بشویم.
 - ۴- قسمت‌های مختلف پوست بدن را دَلگ کنیم (یعنی در وقت جاری شدن آب، بر آنها دست بکشیم). دَلگ را برای زیر بغل و قسمت‌های مانند آن، با دقت بیشتری انجام دهیم.
 - ۵- اعمال غسل را (به جز نیت و وضوی قبل از آن) سه بار انجام دهیم.
- برای غسل کردن می‌توانیم با ظرف یا با استفاده از دوش و شلنگ، بر بدن آب بریزیم و غسل کنیم و یا آنکه در آب رودخانه، دریا و استخر، بدن و سرمان را فرو برده و غسل را انجام دهیم.
- آقای فرشادی نگاهی به ساعتش کرد و گفت: بچه‌ها عجله کنید تا به تشییع جنازه پدر ناصر برسیم.

فعالیت کلاسی

به نظر شما چرا آقای فرشادی پس از شنیدن خبر فوت پدر ناصر، آیه «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» را خواند؟

ثمرات آداب زیارت اهل قبور

روز بعد آقای فرشادی پس از گفتن بسم‌الله و مقدمات صحبت گفت: بچه‌ها دین ما دین اُلفت و دوستی است، همان‌گونه که به ما امر می‌کند با زندگان روابط صحیح داشته باشیم و صلوة رحم را با نزدیکانمان رعایت کنیم، به ما امر نموده که به قبرستان رفته و از مردگانمان نیز یاد کنیم. و برایشان دعای خیر کنیم.

رفتن به گورستان بهترین راه برای یاد مسافران سفر ابدی است.

رسول خدا (صلی الله علیه و علی آله) زیارت اهل قبور را به ما تعلیم داده است. آن پیشوای دلسوز سفارش فرمود که هنگام رفتن به قبرستان بگوییم: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ دَارِ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ وَإِنَّا إِن شَاءَ

۱- یعنی گفتن بسم‌الله الرحمن الرحیم و الحمد لله رب العالمین و صلوات فرستادن.

اللَّهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ» سلام بر ساکنان دیار مؤمنان باد و ما به خواست خدا به شما ملحق می‌شویم.» صحابه (رضوان الله تعالی علیهم اجمعین) از رسول الله (صلی الله علیه و علی آله) آموخته بودند:

۱- بر روی قبرها پا نگذارند و بر آن نشینند.

۲- مردگان را ناسزا نگویند.

۳- برایشان از خداوند درخواست رحمت و بخشش و علو درجات نمایند.

۴- در قبرستان از سخنان دنیوی و بیهوده دوری کنند.

۵- روز مخصوصی را به زیارت قبور اختصاص ندهند؛ بلکه هر از چندگاهی این کار را انجام دهند.

۶- رفتن به قبرستان، آنها را از انجام واجبات دینی باز ندارد؛ واجباتی مثل نماز جمعه، پرستاری بیمار، مواظبت از پدر و مادر، نماز و... .

بچه‌ها حتماً از لابه‌لای حرف‌هایم ثمرات این کار مبارک (زیارت قبور) را متوجه شده‌اید. زیارت قبور چند ثمره و نتیجه مطلوب دینی دارد:

۱- انسان را از غفلت دور می‌کند و واقعی و عینی بودن مرگ را به یاد او می‌آورد.

۲- با توجه به اینکه انسان از مرگ یاد می‌کند، قیامت را هم به یاد می‌آورد؛ لذا سختی‌های دنیا برایش آسان می‌شود و خوشی‌های آن، وی را مغرور و سرمست نمی‌کند.

۳- موجب تقویت احساس عاطفی انسان می‌شود و او را تشویق می‌کند که قدر زنده‌ها را بیشتر بداند.

۴- و بالاتر از همه اینها، موجب کسب ثواب می‌شود، چون انجام آن پیروی از سنت رسول الله (صلی الله علیه و علی آله) است.

آقای فرشادی به اینجا که رسید، گفت: بچه‌ها این مختصر کافی است آماده شوید که به تعزیه ناصر برویم. عابد با تعجب پرسید: آقا تعزیه ناصر یا پدر ناصر؟

آقای فرشادی لبخندی زد و گفت: عابد جان تعزیه یعنی آرام کردن و تسلی دادن بستگان میت. سنت است با کلماتی که موجب تسلیت و آرامش آنها می‌شود و اندوهشان را کم می‌کند، به آنها تسلیت بگوئیم. در سنت آمده است که به خانواده و بستگان میت گفته شود «أَحْسَنَ اللَّهُ عَزَاءَكُمْ وَ غَفَرَ اللَّهُ لِمَيِّتِكُمْ»؛ یعنی خداوند دلتان را به خوبی آرام کند و فرد درگذشته شما را بیامرزد. بچه‌ها با ارشاد و رهبری آقای فرشادی از مدرسه به طرف خانه ناصر به راه افتادند.

شتاب در شستن، کفن کردن و دفن نمودن میت، سنت است. تشییع کنندگان جنازه را بر دوش گرفته و پیاده به قبرستان ببرند، در مسیر هم سکوت را رعایت کرده و به جای سخن گفتن، از مرگ یاد کنند. بهتر است که تشییع کنندگان پشت سر تابوت حرکت کنند، گرچه در طرف راست و چپ تابوت قرار گرفتن هم، اشکال شرعی ندارد.

خودت را امتحان کن.

- ۱- به نظر شما مهم‌ترین فایده زیارت قبور چیست؟ توضیح دهید.
- ۲- به چه کارهایی آداب زیارت گفته می‌شود؟ به سه مورد از این آداب اشاره کنید.

پیشنهاد

در کتاب‌های فقهی آداب دیگری برای تشییع جنازه و رفتن به زیارت اهل قبور ذکر شده است، با مراجعه به آنها چند مورد را یادداشت کرده و برای دوستانتان در کلاس بازگو کنید.

الهی

ما را از کسانی قرار ده که روحشان با شوق و اشتیاق و شتاب به سوی سرای ماندگار پرواز می‌کند. آنهایی که مرغ دلشان در آسمان تقوا پرواز کرد و در باغ نعمت‌های بی‌کراث فرود آمد و از میوه‌های بوستان رحمت تو بهره‌ور شد. خدایا، ما را از کسانی قرار ده که بر کشتی نجات ایمان و تقوا سوار شدند و در ساحل رحمت تو فرود آمدند.^۱

خداوندا، رفتگان ما، مهمانان تو آند، آنها را با فضل و بزرگی‌ات بپذیر و از خطاها و لغزش‌هایشان درگذر. خداوندا، بهره آنها را از خیرت بیشتر کن و خوان و سفره روزی‌ات را بر آنها بگستران، خدایا، تو فقر و نیاز ما را به خوبی می‌دانی و ما هم می‌دانیم که تو غنی و بی‌نیازی. فقرمان را با غنایت بپوشان و بر دفتر گناهانمان قلم عفو بکش. آمین.

۱- الورد المصطفی المختار، ص ۸۱.

ضمیمهٔ پیام‌های آسمان

ویژهٔ اهل سنت

سال سوم راهنمایی

از آگاهان بپرسیم^۱

برخی از شرایط مجتهد عبارت‌اند از:

- ۱- تسلط بر قرآن، (یعنی احکامی که در قرآن بیان شده است.)
 - ۲- تسلط بر سنت (یعنی احکامی که در سنت بیان شده است.)
 - ۳- تسلط بر آراء و نظرات صحابه و مجتهدان در زمینه احکام
 - ۴- دانستن زبان عربی در حدی که برای درک و دریافت احکام لازم است.
- البته ایمان و پابندی به دین و عادل بودن، لازمه کار مجتهد است و اینکه این موارد معمولاً در شرایط مجتهد ذکر نمی‌شود، به خاطر شدت آشکار بودن آنهاست.

فعالیت کلاسی

الف) توضیح دهید از میان انواع تقلیدی که در زیر آمده، کدام درست و کدام نادرست است؟

- تقلید غیر عالم از غیر عالم - تقلید عالم از غیر عالم
- تقلید غیر عالم از عالم و مجتهد - تقلید عالم غیر مجتهد از عالم مجتهد

ب) با توجه به شرایطی که برای مجتهد خواندیم به پرسش‌های زیر پاسخ دهید و علت را توضیح دهید:

- ۱- آیا فرد غیر مجتهد می‌تواند در مسئله توحید و یگانگی خداوند، از مجتهد تقلید کند؟

۱- جایگزین صفحات ۲۴ (ابتدای «تقلید از مجتهد») الی انتهای ۲۵.

۲- آیا می‌توان به فردی که توانایی اجتهاد دارد، اما پایبندی به دین و تقوا در او ضعیف است، اعتماد نمود و از وی تقلید کرد؟

۳- آیا تقلید مقلد از مجتهد، همان تقلید ناپسند است یا کاری عاقلانه و درست است، چرا؟

دوری از اظهارنظر غیر عالمانه

برخی افراد بدون اطلاع و آگاهی از احکام دینی، گاهی در مسائل دینی (خصوصاً احکام) اظهارنظر می‌کنند. این کار، بسیار ناپسند است و در آخرت نیز مورد بازخواست قرار می‌گیرد. خداوند سخن گفتن از دین را ممنوع نکرده است، اما از انسان‌ها می‌خواهد با علم و آگاهی و دلیل از دین سخن بگویند.

مسلمان موظف است در مورد موضوعی که نمی‌داند تحقیق کند؛ سپس با اخلاص و امانت‌داری دربارهٔ مسائل دینی حرف بزند. در غیر این صورت کلمه نمی‌دانم و سکوت کردن بر انسان واجب است. با این کار، هم ایمان فرد و هم دین خدا، از خدشه‌دار شدن در امان می‌ماند. مطالعه کردن و پرسش نمودن از اهل علم می‌تواند علم ما را بالا ببرد و بر میزان معلومات دینی ما بیفزاید.

وضو و تیمم^۱

رسول الله (صلی الله علیه و علی آله) به اصحابشان فرمود:

«توجه کنید: شما را به چیزهایی راهنمایی می‌کنم که خداوند به وسیله آنها اشتباهات انسان را پاک می‌کند و ارزش و درجه او را بالا می‌برد، صحابه گفتند: ای پیامبر خدا، ما را ارشاد فرما. رسول خدا (صلی الله علیه و علی آله) فرمود: وضو گرفتن در سختی‌ها^۲ و زیاد رفتن به مسجد و انتظار نماز فرض بعدی، پس از انجام نمازهای فرض، این کارها، همان دستاویز محکم «به فضل و برکت خداست».^۳

گرفتن وضو در موارد زیر واجب است:

- وقتی می‌خواهیم نماز بخوانیم؛
 - وقتی قصد داریم دستمان را به نوشته‌های قرآن بزنیم یا قرآن را حمل کنیم؛
 - وقتی می‌خواهیم طواف حج کعبه را انجام دهیم.
- علاوه بر این موارد، وضو گرفتن و داشتن وضو در موارد دیگر سنت و مستحب است؛ از جمله: هنگام ذکر خداوند، قبل از خوابیدن، قبل از انجام غسل، هنگام حمل جنازه. همچنین همواره وضو داشتن سنت است.

فروضهای وضو

وضو گرفتن نوعی عبادت است که چند کار در آن واجب است؛ این موارد را واجبات و یا فرضهای وضو می‌نامند:

۱- جایگزین کل درس پنجم (وضو و تیمم).

۲- برای مثال، گرما یا سرمای شدید.

۳- صحیح مسلم - فضل الصلاة: ۷.

۱- نیت یعنی قصد کردن وضو که باید همراه اولین کار عملی وضو انجام گیرد. (یعنی هنگام شستن صورت) البته در فقه حنفی نیت شرط صحت وضو نیست.

۲- شستن صورت از قسمت رویش مو از پیشانی تا قسمت پایین چانه (در طول) و عرض بین دو زرمه گوش‌ها

۳- شستن هر دو دست تا مرفق و آرنج‌ها

۴- مسح سر (حتی اگر قسمتی از آن باشد)

۵- شستن پاها تا قوزک‌ها و با قوزک‌های پا

۶- مراعات ترتیب.

البته در فقه حنفی رعایت ترتیب و موالات در شستن اعضای وضو شرط نیست.

سنت‌های وضو

در گرفتن وضو، انجام شش کاری که خواندید، لازم و فرض است. اما وضو سنت‌هایی هم دارد که انجامشان بر ارزش و ثواب وضو می‌افزاید که در اینجا مهم‌ترین آنها را می‌خوانیم:

۱- گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم» در ابتدای آن

۲- شستن پشت و روی دست سه بار، پیش از آنکه دست را داخل ظرف یا محلی (مثل حوض) کنیم که از آبش برای گرفتن وضو استفاده می‌کنیم.

۳- مسواک زدن

۴- آب در دهان و بینی گرداندن و بیرون ریختن آب و تمیز کردن دهان و بینی، آب در دهان ریختن را «مُصْمَظَه» و آب در بینی ریختن را «استنشاق» می‌گویند. این دو کار را با دست راست انجام می‌دهیم.

۵- مسح کل سر^۱

۶- دست کشیدن بر پشت گوش و قسمت داخلی آن با آب جدید (یعنی پس از مسح سر، دستمان را دوباره با آب خیس کرده و گوشمان را با آن تمیز می‌کنیم)

۷- انجام سه بار اعمال وضو (این کار را تثلیث می‌گویند).

۸- مقدم داشتن طرف راست بر چپ، در شستن دست‌ها و پاها

۹- دقت کردن در شستن سر به طوری که پیشانی و اطراف آن هم در شستن بیشتر رعایت

۱- چگونگی این کار را از معلمتان سؤال کنید.

شوند و همچنین دقت کردن در شستن پاها به گونه‌ای که قسمتی بیشتر از حد قوزک، شسته شود.^۱

۱۰- میانه‌روی در مصرف آب

۱۱- گفتن شهادتین و دعای وضو در آخر، به این ترتیب: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ».

بیشتر بدانیم

آنچه که در وضو گرفتن مکروه است.

مکروه یعنی کاری که از لحاظ شرعی ناپسند است، اما کار شرعی را باطل نمی‌کند و

بهتر این است که انجام نشود. این چند مورد در وضو گرفتن مکروه است:

۱- زیاده‌روی در مصرف آب و همچنین کم مصرف کردن غیر طبیعی آن

۲- تقدیم دست و پای چپ بر دست و پای راست

۳- خشک کردن اعضای وضو با حوله و دستمال و مانند آنها

۴- ضربه زدن بر صورت هنگام شستن آن

۵- افزایش شستن اعضا بیشتر از سه بار (به بهانه اطمینان یافتن از شستن کامل)

۶- کمک گرفتن از دیگری (مگر برای کسی که عذری دارد، مثلاً مریض یا ناتوان است)

۷- زیاده‌روی در مضمضه و استنشاق.^۲

مواردی که وضو را باطل می‌کنند:

۱- خارج شدن آنچه که از پس و پیش انسان، خارج می‌شود.

۲- به خواب رفتن، (طوری که چشم نبیند و گوش نشنود) البته در صورتی که نشیمنگاه خوب بر زمین چسبیده باشد و چرتی کوتاه بر انسان چیره شود، که فقط سر تکان خوردن آنی، نشانه آن است، وضو باطل نمی‌شود.

۳- از بین رفتن عقل به خاطر دیوانگی یا بیهوشی یا چیزهای دیگر.

در فقه حنفی خنده قهقهه‌دار، استفراغ و بیرون آمدن خون از بینی مبطل وضو می‌باشد.

۱- این دو کار را به ترتیب، اطالۀ غره و اطالۀ تحجیل، می‌گویند.

۲- این دو کلمه در بحث سنت‌های وضو در شماره ۴ توضیح داده شد.

- ۱- استفرغ کردن و خون گرفتن و خون از بینی آمدن وضو را باطل نمی‌کند.
- ۲- اگر در بین اعمال وضو فاصله‌ای ایجاد شود که معمولاً طولانی به حساب نمی‌آید، وضو صحیح است؛ مثلاً به علت قطع آب پس از مسح سر، مجبور شود از طبقه سوم یک ساختمان به طبقه اول برود و در آنجا پایش را بشوید.
- ۳- خانم‌ها نباید در جایی وضو بگیرند که نامحرمان، بدن آنها را ببینند، البته این کار وضویشان را باطل نمی‌کند.
- ۴- گرچه لمس قرآن بدون وضو جایز نیست، اما اگر بخشی از قرآن بر کاغذ یا پارچه باشد و یا در کتابی نوشته شده که اصل مطالب کتاب، بیشتر از آیات قرآنی است، لمس چنین مواردی، وضو نمی‌خواهد.
- ۵- کسی که به دلیل بیماری یا مشکل دیگری نمی‌تواند اعمال وضو را انجام دهد، باید از شخص دیگری کمک بگیرد تا او را وضو دهد، در این حالت باید آن فرد ناتوان - که می‌خواهد وضو بگیرد - خودش نیت وضو کند.
- ۶- شایسته نیست مسلمان ناخنش را بلندتر از حد معمول رها کرده و آن را نگیرد. در صورت بلندتر بودن ناخن از حد معمول، هنگام وضو گرفتن باید چرک زیر آن برطرف شود و آب به زیر ناخن برسد.

تیمم

دانستیم که برای نماز خواندن، طواف کعبه و مس و حمل قرآن، وضو واجب است و این کارها بدون داشتن وضو، صحیح نیستند، و مشخص است که وضو، به وسیله آب پاک، صورت می‌گیرد، اما اگر انسان به هر دلیل نتواند از آب استفاده کند، در شریعت اسلامی به وی اجازه داده شده از گرد خاک استفاده نماید تا از برکت عبادت و ارتباط با خدا محروم نشود.

رساندن گرد خاک پاک به صورت و دو دست با نیت و روش مخصوص، تیمم نام دارد. در صورتی که انسان به آب دسترسی نداشته باشد و یا در موقعیتی است که ۲/۵ کیلومتر و یا بیشتر با آب فاصله دارد و رسیدن به آب برایش مشکل است و یا مصرف آب به علت سرمای غیر قابل تحمل و یا بیماری، برایش ضرر دارد، می‌تواند تیمم کند.

در صورت وجود هر کدام از موارد ذکر شده، شرط تیمم کردن این است که :

- ۱- وقت نماز فرا رسیده باشد؛
- ۲- آب را جست و جو کرده و نیافته باشد؛
- ۳- خاک پاکی برای تیمم باشد.

سه چیز در انجام تیمم واجب است :

- ۱- نیت در ابتدای آن؛
- ۲- مسح صورت با خاک پاک به وسیله دست و پس از ضربه‌ای که بر خاک زده می‌شود و سپس مسح دست‌ها تا آرنج با خاک پاک و بعد از ضربه دیگر؛
- ۳- رعایت ترتیب. در فقه حنفی رعایت ترتیب لازم نیست.

چند نکته در مورد تیمم :

- ۱- رساندن گرد و خاک به ته موها، در انجام تیمم لازم نیست.
- ۲- آنچه که وضو را باطل می‌کند، تیمم را نیز باطل می‌کند.
- ۳- گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم» و تقدیم دست راست بر چپ در هنگام مسح و رعایت پشت سر هم اعمال تیمم، سنت است.
- ۴- به جز موارد باطل کننده وضو، دیدن و رسیدن به آب پیش از وقت نماز، و بهبودی بیماری تیمم را باطل می‌کنند.

فعالیت کلاسی

- (الف) با ذکر دلیل مشخص کنید در کدام یک از موارد زیر، وضو و تیمم مکلف صحیح و در کدام یک باطل است.
- در هنگام رکوع خوابش می‌گیرد و ناگهان با صدای تکبیر امام و حرکت فرد کنار دستنی بیدار می‌شود.
 - هنگام گوش دادن به خطبه نماز جمعه در حالی که محکم نشسته سرش بر اثر چرت تکانی می‌خورد.
 - با سیمان و یا آرد تیمم می‌کند.
 - با خاک صحرا تیمم کرده است.
 - هنگام وضو گرفتن بعد از شستن پا، سرش را مسح می‌کند.

● در محلی قرار گرفته که با آب پانصد متر فاصله دارد، اما حوصله ندارد خود را به آب برساند و با خاک پاکی که آنجاست، تیمم می‌کند.
ب) در حضور معلمتان وضو بگیرید و تیمم کنید و از او بخواهید اشکالات احتمالی را برایتان بر طرف کند.

خودت را امتحان کن.

- ۱- حکم وضوی کسی که ابتدا پایش را شسته و سپس سرش را مسح کرده چیست؟
- ۲- آیا وضوی کسی که در شستن دست، مرفش را شُسته، صحیح است؟
- ۳- زیاده‌روی کردن در مصرف آب هنگام گرفتن وضو، چه حکمی دارد؟

پیشنهاد

با مراجعه به کتاب‌های فقهی، دو مورد دیگر از سنت‌های وضو را پیدا کرده و آنها را بنویسید.

باطل کننده‌های نماز^۱

آن روز، نمازخانهٔ مدرسه، شلوغ‌تر از روزهای دیگر بود. محمد و عارف نیز در گوشه‌ای از نمازخانه، نزدیک هم نماز می‌خواندند. نمازخانه، صفای بیشتری داشت، چون نور مسجد، به جماعت آن است.

ناگهان عارف که دو رکعت سنت بعدیه بعد از نماز ظهر را می‌خواند، نمازش را در رکعت دوم شکست و پس از چند لحظه سکوت راست ایستاد و دوباره تکبیرة الاحرام را گفت و نمازش را شروع کرد. پس از تمام شدن نماز عارف، محمد با تعجب از او پرسید:

عارف چرا نمازت را در رکوع شکستی و دوباره آنرا شروع کردی؟!
عارف جواب داد: در هنگام رکوع یاد حرف‌های خنده‌داری افتادم، ناگهان خنده‌ام گرفت و با قهقهه خندیدم.

محمد گفت: عارف جان، چرا در نماز با فروتنی و یاد خدا و خویشنداری حاضر نمی‌شوی؟! چرا خود را کنترل نمی‌کنی؟!
عارف گفت: خودم هم از این حالت ناراحت هستم و تصمیم گرفته‌ام بر آن غلبه کنم.

در سال‌های گذشته با برخی از احکام و آداب نماز آشنا شدیم و دانستیم نمازی که با رعایت آداب و احکام آن خوانده می‌شود، تأثیری عمیق بر خوشبختی و تربیت درونی انسان دارد، از طرف دیگر به جا آوردن نماز، با اخلاص و رعایت آداب آن، موجب خشنودی خداوند می‌شود. در این درس به بررسی احکام دیگری خواهیم پرداخت که رعایت نکردن آنها موجب باطل شدن نماز می‌شود.

۱- جایگزین کل درس ششم («مبطلات نماز»).

مبطلات نماز^۱

به جز خندیدن با قهقهه (که موجب باطل شدن نماز عارف شد) چه چیزهایی موجب باطل شدن نماز می‌شود؟

با مراجعه به کتاب‌های فقهی متوجه می‌شویم، چند چیز موجب باطل شدن نماز می‌شود که در اینجا به صورت خلاصه به بررسی آنها می‌پردازیم:

- ۱- سخن گفتن عمدی که منظور سخنان غیر از قرائت قرآن و اذکار نماز است.
- ۲- عمل زیاد: یعنی انجام کاری مثل خاراندن پشت سر هم بدن طوری که مثلاً سه جا را پشت سر هم بخاراند و در این خاراندن به جز انگشتان، بازو، میچ و ساعد نمازگزار، پشت سر هم و برای سه بار یا بیشتر حرکت کند.^۲
- ۳- پدید آمدن نجاست و ناپاکی و پلیدی بر روی بدن یا لباس یا محل نماز خواندن.
- ۴- باطل شدن وضو قبل از سلام اول؛ بنابراین، اگر وضو بعد از سلام اول باطل شود نماز صحیح است، چون سلام دوم سنت است.
- ۵- آشکار شدن عورت: اگر کسی به صورت عمدی این کار را انجام دهد، نمازش باطل است اما اگر وزیدن باد بر لباس موجب آشکار شدن عورت شد و نمازگزار بلافاصله عورتش را بپوشاند و یا مثلاً دکمه لباس باز شد و او فوراً آن را بست، نماز باطل نمی‌شود. اگر کسی با پیراهنی کوتاه نماز بخواند و در هنگام رکوع و سجود پیراهنش بالا رفته و عورتش آشکار شود، نمازش باطل است.
- ۶- گریه یا خنده‌ای که موجب ایجاد دو حرف یا بیشتر شود و عمدی باشد. (بنابراین، تبسم یا اشک ریختن بدون صداها یا اضافی، نماز را باطل نمی‌کند.)
- ۷- تغییر نیت، (مثل اینکه در دلش شرط کند که اگر فلانی وارد اتاق شد نمازم را قطع می‌کنم) چون نماز عبادتی است که باید نیت تا آخر کار بماند.
- ۸- پشت به قبله کردن یا انحراف از آن، چون یکی از شروط نماز رو کردن به قبله است.
- ۹- خوردن و نوشیدن
- ۱۰- جاماندن از حرکات امام به اندازه دو حرکت (در نماز جماعت) مثل اینکه در رکوع و اعتدال (یعنی برخاستن از رکوع) از امام جا بماند. و همچنین تقدم و پیشقدمی مأموم بر امام در دو رکن به صورت عمدی.

۱- مبطلات: باطل‌کننده‌ها

۲- حرکت انگشتان در خاراندن اگر سه بار هم باشد، نماز را باطل نمی‌کند.

چند مسئله مهم درباره نماز

● سرفه غیر عمدی و عطسه و خمیازه کشیدن، نماز را باطل نمی‌کند، حتی اگر در سرفه دو حرف ایجاد شود. سرفه‌ای که به اجبار و برای صاف کردن گلو انجام می‌شود نیز اشکالی ندارد؛ چون یکی از ارکان نماز رکن قولی و گفتاری است، مثل خواندن سوره حمد یا تشهد رکعت آخر؛ و اگر انسان نتواند به خاطر گرفته شدن گلویش این دو رکن را بخواند، نمازش باطل می‌شود. بنابراین، در صورتی که گلو فقط با سرفه کردن عمدی باز می‌شود. سرفه اشکالی ندارد.

● اگر نمازگزار اذکار نمازش را آن قدر تند و با عجله بگوید که تلفظ آن صحیح نباشد، نمازش باطل می‌شود.

● چرخاندن چشم به طرف آسمان و چپ و راست در نماز مکروه است، ولی نماز را باطل نمی‌کند.
● هنگامی که غذا آماده شده و انسان به خوردنش رغبت دارد، بهتر است اول غذا بخورد بعد نماز بخواند.^۱

● خاراندن بدن با حرکت انگشت (چون حرکتی سبک و اندک به حساب می‌آید). در صورت ضرورت اشکالی ندارد.

- مبالغه کردن در خم نمودن سر، هنگام رکوع مکروه است.
- نماز خواندن در حمام و در راه عبور و مرور مردم مکروه است.

فعالیت کلاسی

در هر یک از موارد زیر توضیح دهید که آیا نماز نمازگزار صحیح است یا خیر.

۱- هنگام خواندن تشهد متوجه می‌شود که برادر کوچکش با دستانی کثیف به طرف کتاب‌های او می‌رود، برای متوجه کردن مادرش (که کتاب را از مقابل برادرش دور کند) می‌گوید: سبحان الله.

۲- دوست دارد کمی بلند نماز بخواند. به همین جهت پشت سر هم گلویش را صاف می‌کند و آخ یا آخ می‌کند.

۳- صدایش به هنگام تشهد گرفته و نمی‌تواند تشهد را بخواند، لذا با سرفه.

۱- برخی به شوخی می‌گویند اول وجود بعد سجود، البته در حدیث صحیح آمده که: «إِذَا أَقِمْتَ الصَّلَاةَ وَحَضَرَ الْعِشَاءَ فَأَبْدِءْهَا بِالْعِشَاءِ» (به روایت امام احمد و شیخین) یعنی هرگاه وقت نماز رسید و غذا حاضر شد، اول غذا بخورید، بعد نماز بخوانید.

گلویش را صاف می‌کند.

۴- مطلب خنده‌داری به یادش آمده، لبخندی می‌زند اما از تکان خوردن و ایجاد

صدای خنده، خودداری می‌کند.

خودت را امتحان کن.

۱- سرفه عمده‌ی به هنگام نماز در چه وقتی جائز است؟

۲- چه نوع خنده‌ای نماز را باطل می‌کند؟

بیشتر بدانیم

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌و‌س‌لم‌آله) فرمود:

اولین چیزی که از اعمال بنده در روز قیامت، مورد محاسبه قرار می‌گیرد، نماز

او است. اگر نمازش درست باشد، بنده رستگار می‌شود و نجات می‌یابد و اگر نمازش

آن‌گونه نباشد که خدا می‌خواهد، بنده ضرر و زیان می‌بیند.^۱

۱- ترمذی، ۴۱۳.

خلفای راشدین (شیخین)^۱

پس از مبعوث شدن پیامبر (صلی الله علیه وعلی آله) افرادی که به دین اسلام گرویدند، هر کدام با توجه به استعداد، اخلاص، تلاش و نوع ارتباطی که با پیامبر داشتند، اندازه و میزانی از درک و فهم قرآن و سنت را به دست آوردند.

تجربه دوره جاهلیت (دوره گمراهی و تاریکی قبل از اسلام)، موجب شده بود یاران پیامبر نسبت به پیام‌های آسمانی قرآن به شدت علاقه‌مند شوند. پیام‌هایی که هدایت و نور را به آنها هدیه می‌داد. خداوند در قرآن معلم بودن پیامبر را در کلاس زندگی و در درس قرآن و حکمت (سنت)، نعمتی در خور توجه معرفی می‌کند و اعلام می‌دارد که :

«خدای بزرگ پیامبری را از جنس خود مردم، برایشان فرستاد، که آیات خدایی را بر آنها تلاوت کند و آنها را پرورش دهد و پاک و پاکیزه گرداند، و کتاب و حکمت را به آنها بیاموزد، هر چند که آنها قبلاً در گمراهی آشکار بوده‌اند.»^۲

یاران پیامبر به شدت به قرآن علاقه‌مند بودند و آن‌را در حد توان در نمازهایشان می‌خواندند، و تا جایی که می‌توانستند به آن عمل می‌کردند. در میان آنها افرادی بودند که در فهم و درک قرآن و سنت از دیگران پیشروتر بودند.

خلفای راشدین، امهات المؤمنین خصوصاً ام المؤمنین عائشه (رضی الله عنها) و سایر اهل بیت رسول خدا از جمله فاطمه زهرا (رضی الله عنها) و بزرگانی مانند عبدالله بن عباس،

۱- جایگزین کل درس نهم (« بیوند ناگسستی»).

۲- سوره آل عمران، آیه ۱۶۴

عبدالله بن عمر، عبدالله بن مسعود، عبدالله بن زبیر، ابوسعید خدری، معاذبن جبل و... از نفرات اول این مدرسه آسمانی بودند.

پس از رحلت رسول خدا (صلی الله علیه و علی آله) مسلمانان با بحران بزرگ دوری از معلم و پیشوای دلسوز خود روبه‌رو شدند. یاد روزهای با پیامبر بودن از طرفی و ترس از بی‌رهبری از طرف دیگر، موجب شد آنها رأی عمومی و شورا را به سرعت به‌عنوان چاره‌ای قرآنی برای حل آن بحران بزرگ، انتخاب کنند. آنان کسی را با صفاتی والا به‌عنوان خلیفه و سرپرست حکومت انتخاب کردند که رهبری امت را نیز به عهده گرفت. به همین جهت در شورایی ساده و پراز اخلاص و دلسوزی، حضرت ابوبکر صدیق (رضی الله عنه) را به‌عنوان اولین خلیفه راشد انتخاب کردند. به حاکمانی که براساس رأی شورای مسلمانان انتخاب شدند، خلفای راشدین و به حکومتشان خلافت راشد گفته می‌شود.

خلفای راشدین پنج نفر بودند که در این دو درس به بررسی مختصر شخصیت و خلافتشان می‌پردازیم، ابتدا بهتر است بدانیم که چرا شاگردان پیامبر و پرورش یافتگان قرآن، ابوبکر را برگزیدند؟ مهم‌ترین دلایل اصحاب برای انتخاب ابوبکر صدیق به‌عنوان خلیفه، عبارت بود از:

۱- دوستی دیرینه ابوبکر (رضی الله عنه) با پیامبر پیش و پس از اسلام؛ قرآن از این دوستی یاد می‌کند.^۱

۲- پیشتاز بودن ابوبکر (رضی الله عنه) در ایمان و اسلام؛ چنان‌که قرآن پیشتازان در اسلام و ایمان را، نزدیکان و مقربان خداوند می‌داند.^۲

۳- فهم بالای ابوبکر صدیق (رضی الله عنه) بر قرآن، سنت، تاریخ اسلام و وقایعی که بر رسول الله (صلی الله علیه و علی آله) و صحابه گذشته بود.

۴- اعتماد کامل رسول الله (صلی الله علیه و علی آله) به او. پیامبر او را در سفر تاریخی هجرت از مکه به مدینه، به‌عنوان یار و یاور خود برگزید. در سال نهم هجری نمایندگان از قبایل مختلف عرب جهت پذیرش اسلام خدمت پیامبر رسیدند. پیامبر مشغول دعوت ویژه آنها و پذیرایی از این نمایندگان بود، به همین جهت ابوبکر صدیق را (به جای خود) سرپرست حجاج بیت الله نمود.^۳ البته در این حج علی مرتضی (رضی الله عنه) مسئول اعلام براءت و قطع ارتباط

۱- سوره توبه، آیه ۴۰.

۲- سوره واقعه، آیه‌های ۱۰-۱۱.

۳- سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۵۴۳.

با مشرکان شد.

امیرالمؤمنین ابوبکر صدیق (رضی الله عنه)

نام اصلی اش عبدالله بود، اما مردم بیشتر او را با نام دیگرش ابوبکر می‌شناختند.^۱ او ۵۱ سال قبل از هجرت، در مکه به دنیا آمد. نام پدرش عثمان (مشهور به ابوقحافه) بود و مادرش ام‌الخیر سلمی نام داشت.

نسب او در جدّ هفتم به نسب رسول الله می‌پیوندد. پنج لقب مشهور داشت که از میان آنها به صدیق (بسیار تأییدکننده حقیقت) و یار غار مشهورتر است. وی پدر ام‌المؤمنین عائشه (رضی الله عنها) همسر گرامی پیامبر بود و یکی از ده نفری بود که پیامبر آنها را به بهشت مژده داد. ۶۳ سال عمر کرد و در سال سیزدهم هجری در مدینه از دنیا رفت و در کنار قبر شریف پیامبر، دفن شد. از ثروتمندان بزرگ قریش بود، اما ثروتش را فدای اسلام کرد.

او را عالم قریش می‌دانستند چون نسب و اخبار قبایل عرب را خوب می‌دانست. در پیش از اسلام به خاطر فهم و درک صحیحش از ارزش انسان و زندگی، شراب را بر خود حرام کرده بود. پیوسته یار و یاور رسول الله بود و در جنگ‌های بدر، اُحد و دیگر غزوات شرکت کرد و از دین خدا دفاع نمود. رسول خدا را بسیار دوست داشت و غم وفات پیامبر (ص) بسیار او را اندوهگین و آزرده می‌کرد. زندگی بسیار ساده و متواضعانه، اما با وقاری داشت. در شش ماه اول خلافتش هر روز پیاده از خانه کوچک و محقرش در محلی خارج از شهر، به مدینه می‌آمد و به کار مردم رسیدگی می‌کرد. تمام امور دولتی را در صحن مسجد نبوی انجام می‌داد و بابت آن هیچ گونه شهریه و حقوقی دریافت نمی‌کرد. دو سال و سه ماه و یازده روز خلافت کرد.

در دوره خلافتش کارهای مهمی انجام داد از آن جمله:

- ۱- برخورد با پیامبران دروغین پس از مرگ پیامبر (صلی الله علیه و علی آله).
- ۲- برخورد با کسانی که پس از پیامبر از دادن زکات خودداری کردند و یا از دین اسلام برگشتند.
- ۳- جمع قرآن به صورت کتاب. وی پس از شهادت ۷۰ تن از حافظان قرآن (در جنگی به نام یمامه)، با مشورت صحابه و به خاطر حفظ و پاسداری از قرآن، دستور داد که قرآنی را بنویسند و به عنوان مرجع نگهداری کنند.

۱- در عربی به نام دومی که از لحاظ احترام به مردان با پیشوند ابو و زنان با پیشوند ام، می‌دهند، کنیه می‌گویند.

امیرالمؤمنین عمر بن خطاب (رضی الله عنه)

عمر بن خطاب، کنیه اش ابو حفص و ملقب به فاروق، نام پدرش خطاب و نام مادرش حنتمه بود. وی سیزده سال پس از تولد پیامبر، در مکه به دنیا آمد.

نسبش به خاطر کعب که جدّ نهم عمر و جدّ هفتم پیامبر بود، به پیامبر می‌رسد. خانواده اش تاجر بودند؛ لذا او هم در جوانی تجارت را شروع کرد و چندین بار به عراق، شام و قدس سفر کرد. این سفرها بر فرهنگ و تدبیر او اثر گذاشت و دانش و سخنوری او را پرورش داد. او مردی صریح بود و از حق دفاع می‌کرد. به همین دلیل در میان مردم مکه احترامی خاص داشت و او را در وقایعی که پیش می‌آمد داور و حکم خود قرار می‌دادند.

او در سال پنجم پیش از هجرت ایمان آورد و ایمانش موجب تقویت جمع اندک مسلمانان شد. در سال سیزدهم هجری در روز درگذشت ابوبکر صدیق، به خلافت رسید. پس از خلیفه شدن، مسلمانان لقب امیرالمؤمنین را به او دادند. او هم یکی از ده نفری است که توسط رسول خدا، مژده بهشتی بودن به وی داده شده است.

قدی بلند و جسمی قوی داشت اما با این حال بسیار متواضع بود و در اوج قدرت، لباس ساده‌ای می‌پوشید و با همان لباس ساده در جمع حاضر می‌شد. به تنهایی در بازارها و معابر می‌گشت و هر جا که لازم بود اختلاف مسلمانان را با متانت و حوصله، برطرف می‌کرد. رسول خدا (صلی الله علیه و علی آله) او را دوست داشت و لقب فاروق را برایش برگزید. او هم رسول خدا را دوست داشت و دخترش ام‌المؤمنین حفصه (رضی الله عنها) را به ازدواج پیامبر درآورد.

از تشریفات بیزار بود و نمی‌گذاشت که دنیا او و مسئولان حکومتش را مشغول کرده از مسیر عدالت و حق جویی، خارج کند. در دوره خلافت او نقاط زیادی از جهان، از جمله شام، عراق، قدس، مدائن، مصر و الجزایر به اسلام روی آوردند.

در دوره خلافتش از انجام کارهای اصلی و حتی فرعی مردم، غفلت نمی‌ورزید. فاروق خستگی ناپذیر سرانجام توسط فردی دور از ایمان و حق و عدالت در نماز صبح روز چهارشنبه ۲۶ ماه ذی‌حجه سال ۲۳ هجری مجروح شد و پس از سه روز به شهادت رسید. مدت خلافتش ده سال و شش ماه و هجده روز بود و عمر پر برکتش در ۶۳ سالگی به پایان رسید.

مهم‌ترین کارهای امیرالمؤمنین عمر بن خطاب در دوره خلافت:

۱- تقسیم قلمرو پنهان حکومت اسلامی به ۲۳ ایالت و انتخاب بهترین افراد برای سرپرستی امور آنها؛

۲- تأسیس نیروی انتظامی و پلیس برای حفظ امنیت جان و مال مردم؛

- ۳- تأسیس سازمان گمرک به شکلی ساده متناسب با زمان خود؛
- ۴- تشکیل ادارهٔ دبیرخانه و نظام امور مالی برای رسیدگی به درآمد حقوق بگیران و بیت‌المال؛
- ۵- تعیین هجرت پیامبر به عنوان آغاز و مبدأ تاریخ اسلامی. این کار در جلسهٔ شورا به پیشنهاد امیرالمؤمنین علی (رضی الله عنه) و به تأیید امیرالمؤمنین عمر (رضی الله عنه) و به اتفاق اعضای شورای خلافت تصویب شد.
- ۶- گسترش قلمرو حکومت اسلامی به شهرهای مختلف ایران و روم شرقی و آزاد ساختن مردم ستمدیده آن سرزمین‌ها؛
- ۷- اجرای عدالت و مساوات دینی در قلمرو وسیع حکومت اسلامی.

فعالیت کلاسی

آیات زیر را با دقت بخوانید.

۱- وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ.

قطعاً ما قرآن را برای (یادآوری و فهم آیاتش) آسان ساخته‌ایم، آیا پندپذیرنده و

عبرت‌گیرنده‌ای وجود دارد؟

۲- وَاَنْزَلْنَا الْيَكُ الذِّكْرَ لَتَبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ الْيَهُم.

ما قرآن را بر تو فرو فرستادیم تا تو آنچه را بر آنها (مردم) نازل شده برایشان

بیان کنی و توضیح دهی.

این آیات را کنار هم قرار دهید و دربارهٔ پیامی که از آنها درمی‌یابید در کلاس

گفت‌وگو کنید.

خودت را امتحان کن.

۱- در مورد خشنودی خداوند از صحابه، دو آیه از آیات قرآن را بنویسید.

۲- به نظر شما چرا در اسلام بر اهمیت شورا تأکید زیادی شده است؟

پیشنهاد

در قرآن از صحابه پیامبر به عنوان بهترین امت یاد شده است، در مورد دلیل این مطلب از قرآن و سنت تحقیق کرده و نتیجهٔ تحقیق خود را در کلاس بخوانید.

خلفای راشدین (صهرین و امیرالمؤمنین حسن مجتبیٰ)^۱

امیرالمؤمنین عثمان بن عفان (رضی الله عنه)

نامش عثمان و نام پدرش عفان و نام مادرش اروی و ملقب به ذوالنورین بود. او پنج سال پس از تولد رسول الله (صلی الله علیه و علی آله) در مکه متولد شد. نسبش از جد سوم از طرف پدر و از جد چهارم از طرف مادر به نسب رسول الله برمی‌گردد. با توجه به توان مالی و دقت پدر در تربیت فرزند، خواندن و نوشتن و فن خطابه را آموخت.

رسول خدا (صلی الله علیه و علی آله) او را بسیار دوست داشت. در همان ابتدای اسلام آوردن عثمان (رضی الله عنه)، پیامبر دخترش رقیه (رضی الله عنها) را به ازدواج وی درآورد و پس از چند سال که رقیه از دنیا رفت، پیامبر دختر دیگرش ام‌کلثوم را همسر عثمان کرد. هنگامی که ام‌کلثوم وفات یافت، پیامبر فرمود: اگر دختر دیگری داشتم، او را به نکاح و ازدواج عثمان درمی‌آوردم. پس از این دو ازدواج، مسلمانان او را عثمان ذوالنورین (دارای دو نور) می‌نامیدند.^۲

از میان ویژگی‌های اخلاقی به دو چیز مشهورتر بود، حیا و سخاوت، و رسول الله بارها وی را برای این دو ویژگی ستود. چاه آب شیرینی در مدینه بود که رومه نام داشت مالک این چاه فردی یهودی بود که برای آب آن از مردم و مسلمانان پول می‌خواست، رسول الله (صلی الله علیه و علی آله) فرمود: «هرکس چاه رومه را بخرد و وقف کند و سطلی بر آن بگذارد تا همگان از آن رایگان استفاده کنند، خداوند چشمه‌ای از چشمه‌های بهشت را به او اختصاص می‌دهد.» عثمان ذوالنورین (رضی الله عنه) آن چاه را به مبلغ بیست هزار درهم خرید و وقف مسلمانان کرد.^۳

۱- جایگزین کل درس دهم («وقتی اسلام کامل شد»)

۲- المرتضی، ص ۱۷۴.

۳- الجوهرة فی نسب النبی و اصحابه العشرة، ج ۲، ص ۱۷۳.

امیرالمؤمنین عثمان در سن هفتاد سالگی و پس از تمام شدن کار تدفین امیرالمؤمنین عمر (رضی الله عنه) به خلافت رسید. وی همانند دو خلیفه قبل از خود، عدل و داد و مساوات را برقرار کرد. در موسم حج اعلام می کرد مؤمنان خود را ضعیف و ناتوان احساس نکنند؛ اگر به کسی ظلمی شده، حق مظلوم از ظالم گرفته می شود.^۱

از جمله اقدامات مهم وی در دوره خلافت موارد زیر بود:

۱- نشر و تکثیر و پخش قرآن در سرزمین های اسلامی. او دستور داد تمامی قرآن ها جمع شود و از قرآنی که در دوره ابوبکر صدیق (رضی الله عنه) نوشته شده بود، نسخه برداری شود تا کتاب خدا از تغییر و تبدیل در امان بماند.

۲- گسترش سرزمین های اسلامی و دعوت کشورها و سرزمین های مختلف به اسلام. در زمان خلافت او شمال آفریقا، قسمتی از روم و قسمت هایی از ایران؛ مانند خراسان، شیراز، آذربایجان، طبرستان (خزر)، نیشابور و... به اسلام گرویدند.

۳- تشکیل ناوگان دریایی

۴- توسعه مسجد نبوی. این مسجد در زمان رسول الله با خشت خام و سقفی از شاخه های درخت خرما و ستون های چوبی بنا شد، در دوره ابوبکر صدیق چیزی به آن افزوده نشد، عمر فاروق در خلافتش آنرا وسیع تر کرد، اما عثمان ذوالنورین مساحت بسیار زیادی به آن ملحق گردانید و آنرا با آهک و ستون ها و سنگ های منقش و با استفاده از چوب درخت کاج بازسای کرد.

سرانجام این مرد خدایی پس از یازده سال و یازده ماه و دوازده روز از خلافتش در سن هشتاد و دو سالگی در روز جمعه هجدهم ذی حجه سال سی و پنج هجری پس از محاصره ای چهل روزه در منزلش، توسط گروهی ماجراجو و ستمگر به شهادت رسید.

امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (کرم الله وجهه)

نامش علی و نام پدرش عبدمناف مشهور به ابوطالب و نام مادرش فاطمه بنت اسد است. کنیه او ابوالحسن و ابوتراب و لقبش مرتضی، پسر عموی محبوب رسول خدا (صلی الله علیه و علی آله) و یکی از مژده یافتگان به بهشت بود. در روز جمعه ده سال قبل از بعثت پیامبر، در مکه به دنیا آمد. علی در شش سالگی به خانه پیامبر رفت و زیر نظر پیامبر، پرورش یافت؛ به همین جهت از افکار و عقاید و رسوم جاهلی و بت پرستی دور بود و آنرا از همان روزگار کودکی نمی پسندید. در همان

۱- تاریخ طبری، ج ۵، ص ۱۳۴ و البدایة والنهایة، ج ۸، ص ۲۱۸.

روزهای اول بعثت، با تمام وجود اسلام را پذیرفت. او به خاطر هوش و ذکاوت زیاد از همان سنین پایین درک عمیقی از اسلام پیدا کرد.

در اکثر غزوات رسول خدا شرکت کرد. در برنامهٔ اخاء^۱ با وجود اینکه علی خود مهاجر بود اما پیامبر او را به برادری برگزید. بعدها پیامبر دختر محبوبش فاطمه (رضی الله عنها) را به ازدواج او درآورد. ساده زندگی می‌کرد و غذای ساده می‌خورد، اما با این وجود جسمی قوی و نیرومند داشت. تا آن اندازه اهل مروّت بود که در جنگ به یارانش می‌فرمود: «اگر آنها گریختند، فراریان و زخمی‌هایشان را نکشید و آبرویشان را لکه‌دار ننمایید».

در حقّ قاتلش فرمود: «به این مرد که اکنون در بند شماست از همان غذا و شیری بدهید که من از آن می‌خورم، اگر ماندم خودم در حق او تصمیم می‌گیرم و اگر از دنیا رفته‌ام، فقط با یک ضربه او را قصاص کنید.»

درحالی که جوان بود در جنگ خندق پهلوان نامی و مشهور مشرک عرب (ابن عبیدّ) را شجاعانه از پای درآورد.

با کودکان از سرّ محبت همبازی می‌شد، با جوانان دوست بود و افراد مسن را بسیار احترام می‌گرفت و با گشاده‌رویی و خوش‌قلبی و خوش‌زبانی با آنها معاشرت می‌کرد. دلسوز یتیمان و فقیران بود. به شدت از دنیا پرستی گریزان بود و در میان مردم از لحاظ ظاهری فردی همانند آنان بود.

امیرالمؤمنین علی مرتضی (کرم الله وجهه) پس از شهادت عثمان ذوالنورین (رضی الله عنه) در روز شنبه ۱۹ ذی‌الحجه سال سی و پنجم هجری مردم با او بیعت کردند و ایشان به خلافت رسیدند. با تمام مشکلات، او کار ترویج و تعلیم دین را از طرفی و حکومت داری را از طرف دیگر، با جدیت پی‌گیری می‌کرد و در عین حال در پرورش روحی خود همیشه پیشرو و پیشتانز بود.

سرانجام امیرالمؤمنین علی مرتضی (رضی الله عنه) در سحرگاه روز جمعه هفدهم ماه رمضان سال چهارم هجری در سن شصت و سه سالگی بعد از چهار سال و نه ماه خلافت پر از عدالت و مروّت به دنبال توطئه‌ای جاهلانه توسط فردی بی‌مروت، زخمی هولناک خورد و پس از دو روز به شهادت رسید.

از مشهورترین فضایل امیرالمؤمنین علی (رضی الله عنه) می‌توان به این موارد اشاره کرد.

- ۱- یآوری پیامبر از همان ابتدای کودکی تا آخر عمر؛
- ۲- خوابیدن در بستر پیامبر به هنگام حمله دشمن به عنوان یک فدایی بی‌باک و برگرداندن

۱- اخاء کار بی نظیر پیامبر در مدینه بود که در آن افراد مهاجر و انصار را دو به دو با هم برادر اعلام کرد.

امانات پیامبر به صاحبانشان پس از هجرت رسول الله؛

- ۳- شرکت در اکثر قریب به اتفاق غزوات پیامبر از جمله حساس‌ترین آنها، یعنی غزوه‌های بدر، احد، خیبر و... و جانفشانی و دفاع از اسلام در مقاطع مختلف؛
- ۴- مشاورت و کمک به خلفای پیش از خود، با خیرخواهی و دلسوزی؛
- ۵- کتابت وحی و نوشتن قرآن کریم؛
- ۶- به عهده گرفتن مأموریت ابلاغ و اعلان برائت و قطع رابطه با مشرکان در سال پنجم هجری؛
- ۷- ترویج مفاهیم دینی خصوصاً توحید و اخلاق و تفسیر آیات قرآن و سنت نبوی؛
- ۸- جانبداری از عثمان ذوالنورین در ماجرای شورش افراد فرصت‌طلب و بی‌منطق؛
- ۹- به عهده گرفتن کار غسل رسول خدا (صلی الله علیه و علی آله) پس از رحلت آن پیامبر رحمت.

امیرالمؤمنین حسن بن علی (رضی الله عنهما)

نام مبارکش حسن و کنیه‌اش ابومحمد و لقبش مجتبی است. او پسر امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (رضی الله عنه) و فاطمه زهرا (رضی الله عنهما) دختر محبوب رسول خدا (صلی الله علیه و علی آله) است. در نیمه رمضان سال سوم هجری در مدینه منوره متولد شد. وقتی که رسول الله وفات نمود امیرالمؤمنین حسن هفت سال سن داشت؛ لذا در غزوات رسول الله شرکت نکرده است.

رسول الله (صلی الله علیه و علی آله) او را بسیار دوست داشت و او را نوازش فرموده و می‌بوسید و با او بازی می‌کرد. گاهی که پیامبر نماز می‌خواند، حسن بر پشت پدر بزرگش سوار می‌شد و وی سجده را طولانی می‌کرد. و گاهی هم او را با خود بالای منبر می‌برد. از جهت شکل و قیافه شبیه‌ترین فرد به رسول الله بود. امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (رضی الله عنه) او را بسیار دوست داشت و چون حسن استعداد خوبی برای سخنوری داشت، وی را تشویق می‌کرد که برای مردم حرف بزند و خود برای شنیدن سخنرانی‌های مفصل و زیبای پسرش می‌نشست و به آن گوش می‌داد.^۲

حسن مجتبی اکثر اوقات ساکت و خاموش بود، اما هر وقت سخن می‌گفت بر همگان چیره می‌شد، گرچه در جمع حاضر می‌شد، اما در امور دیگران دخالت نمی‌کرد، ولی اگر کسی به او مراجعه می‌کرد وی مسائالش را برایش کاملاً توضیح می‌داد.^۳

۱- البدایة والنهایة، ج ۸، ص ۳۳.

۲- همان منبع، ص ۳۷.

۳- همان منبع، ص ۳۹.

بسیار اهل بخشش بود، در زندگی سه بار، دارای خود را در راه خدا انفاق کرد، بیست و پنج بار پیاده به حج بیت الله رفت. به خاطر این ویژگی‌ها در میان صحابه محبوبیت فراوانی داشت. به نماز توجه بسیاری داشت و با فروتنی بسیار آن‌را به جا می‌آورد، اخلاقی نیکو داشت و همگان را احترام می‌گرفت. بسیار باهوش بود و سنجیده سخن می‌گفت، فقرا را دوست داشت و دوستی‌اش را با کمک به آنها، نشان می‌داد. روزی از میان یکی از باغ‌های مدینه عبور می‌کرد، غلامی حبشی را دید که نانی در دست دارد، تکه‌ای از نان را خودش می‌خورد و تکه‌ای را به سگش می‌داد، حسن از او پرسید: چرا سهم خودت را با سهم سگت مساوی کردی و خودت بیشتر نخوردی؟ وی جواب داد: «وقتی به چشمان سگم نگاه کردم خجالت کشیدم که سهمش را کمتر کنم.» حسن (رضی الله عنه) گفت: «تو غلام چه کسی هستی؟» گفت: غلام فردی به نام ابان. حسن گفت تو را به خدا سوگند تا من برمی‌گردم همین جا بمان، این را گفت و پیش ابان رفت، غلام و باغ را خرید و سپس نزد غلام برگشت و به او گفت: تو و باغ را خریدم، ترا آزاد می‌کنم و این باغ را به خاطر رضای خدا به تو می‌بخشم»^۱. آن بزرگوار در واپسین لحظات عمرش به برادر بزرگوارش حسین بن علی (رضی الله عنهما) گفت «بارها مرا مسموم کرده‌اند، ولی این بار از هر بار دیگر مسمومیتم شدیدتر است»^۲. حسن مجتبی سرانجام بعد از عمری پر از احسان و نیکوکاری، در سال پنجاه هجری در اثر زهر سم از دنیا رفت.

تشییع جنازه آن بزرگوار با حضور اکثریت صحابه برگزار شد و بدن مطهرش در قبرستان بقیع دفن گردید.

فعالیت کلاسی

با مراجعه به قرآن و سنت متوجه می‌شویم که برخی از وقایع تاریخ اسلام، در میان صحابه از ارزش و منزلت مخصوصی برخوردار بوده است و اصحابی که در آن وقایع نقشی اساسی و مهم داشته‌اند، از احترام بیشتری برخوردار بوده‌اند، با مراجعه به کتاب‌های تاریخ اسلام و کمک گرفتن از دبیر محترم و افراد آگاه، یکی از آنها را انتخاب کرده و در موردش تحقیق کنید و پس از مطالعه، آن‌را در کلاس به بحث و گفت‌وگو بگذارید.

۱- تهذیب تاریخ دمشق الکبیر، ج ۴، ص ۲۱۷.

۲- البدایة والنہایة، ج ۸، ص ۱۹.

خودت را امتحان کن.

- ۱- با مطالعه زندگی خلفای راشدین می‌بینیم در بین آنها مشترکاتی وجود داشته است، ضمن مطالعه مجدد درس، چهار وجه مشترک آنها را پیدا کنید و نام ببرید.
- ۲- چرا ابوبکر صدیق و عمر فاروق (رضی الله عنهما) را شیخین و عثمان ذوالنورین و علی مرتضی (رضی الله عنهما) را صهرین می‌نامند؟

حکومت اسلامی و رهبری دینی^۱

با نگاهی به قرآن در می‌یابیم که خداوند تمام موجودات و از جمله انسان را آفریده و تمامی نعمت‌های موجود در زمین را برای بشر خلق کرده است. خداوند مالک و تدبیرکننده امور مخلوقات است. حاکمیت کل جهان از آن اوست و او حاکم و فرمانروای حقیقی انسان‌هاست. قرآن می‌فرماید: چون خداوند عالم به تمامی حقایق است فقط او می‌تواند بشر را درست راهنمایی کند.^۲ قرآن اعلام می‌دارد پیروی کردن از خواسته‌های فردی و یا سایر انسان‌ها، در امور زندگی صحیح نیست و همه افراد وظیفه دارند از قوانین خداوند اطاعت کنند.

اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ.^۳

آنچه را از پروردگارتان به شما فرو فرستاده شده پیروی کنید، و از سرپرستانی جز او پیروی نکنید.

راه رسیدن به قوانین خدای پیامبر است، و احکام خدا را به انسان‌ها ابلاغ می‌کند. پیامبر نماینده خداست و اطاعت از پیامبر در واقع اطاعت از خداست.^۴ بهترین قانونی که بشر می‌تواند به آن دست یابد، قانون الهی است.^۵ مثلاً وقتی خداوند در مورد پیامبری مانند داود سخن می‌گوید، می‌فرماید:

۱- جایگزین صفحات ۶۳، الی ۶۵ (ابتدای «بیدارگر قرن»)

۲- سوره بقره، آیه ۲۱۶.

۳- سوره اعراف، آیه ۳.

۴- سوره حشر، آیه ۷، سوره نساء، آیه ۶۴.

۵- سوره احزاب، آیه ۶۳.

يا داوُدُ انا جعلناكَ خليفَةً في الارضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ...
ای داود! ما ترا در زمین خلیفه کردیم، بنابراین در بین مردم بر اساس حق،
حکومت و داوری کن...^۱

بنابراین شکل درست حکومت، فقط این است که انسان حاکمیت خدا، پیامبرش
و اولی الامر (جانشینان) را بپذیرد و بر اساس قانون الهی جانشین خدا در حاکمیت را
انتخاب کند.
در واقع بر اساس آیه

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ
إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا^۲

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را اطاعت کنید
پس هر گاه در امری اختلاف نظر یافتید، اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید، آن را به خدا و پیامبر
عرضه بدارید، این بهتر و نیک‌فروتر است.
حکومت دینی، به نمایندگی از خداوند دستورات او را در زمین اجرا می‌کند.

ویژگی‌های حکومت دینی

حکومت دینی با توجه به آیات قرآنی و سنت نبوی ویژگی‌هایی دارد که مهم‌ترین آنها را این‌گونه
می‌توان نام برد:

- ۱- حاکم، در اداره جامعه مطیع فرمان خداوند است.
- ۲- حکومت دینی در امور اساسی و بسیار مهم با مردم مشورت می‌کند.^۳
- ۳- تا وقتی که حکومت در مسیر الهی حرکت کند، مردم با او همکاری می‌کنند و از دستوراتش
اطاعت می‌نمایند.
- ۴- دولت مردان حکومت اسلامی باید به قوانین اسلام باور داشته باشند؛ زیرا مسئولیت اداره

۱- سوره ص، آیه ۲۶

۲- سوره نساء، آیه ۵۹

۳- سوره شوری، آیه ۳۸

یک نظام اسلامی نباید به عهدهٔ کسانی باشد که با اساس اسلام مخالف اند.

اهداف اصلی و اساسی حکومت اسلامی

حکومت اسلامی دو هدف مهم دارد و پیوسته می‌کوشد که آنها را عملی کند :

- ۱- ایجاد عدالت اجتماعی و تأمین رفاه عمومی انسان‌ها؛^۱
- ۲- استفاده از امکانات مادی و حکومتی برای فراگیر شدن واقعی عبادت خدا در جامعه در جنبه‌های فردی (مثل نماز) و جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی (مثل زکات)؛
در حکومت اسلامی جان، مال و آبروی مردم و زندگی شخصی آنها در امان است و آنها حق اعتراض علیه ستم، امر به معروف و نهی از منکر و برقراری اجتماعات را دارند؛ البته به صورتی صحیح و دور از آشوب و پرهیز از مزاحمت دیگران.
حکومت موظف است در بین مردم عادلانه رفتار کند و از تبعیض، دوری نماید.^۲ دین و مذهب آنها آزاد است؛^۳ و کسی حق توهین کردن و آزردن آنها را ندارد.^۴ هیچ نوع اقدامی علیه کسی بدون مدرک و خارج از روش‌های انصاف و معروف و نیکی، انجام نمی‌گیرد.^۵

حقوق حکومت بر مردم

- حکومت اسلامی در مقابل تأمین نیازهای مادی و معنوی مردم و اجرای عدالت، حق دارد از مردم این انتظارات را داشته باشد :
- ۱- از حکومت اطاعت کنند.
 - ۲- نظم و امنیت را رعایت کرده و آن را بر هم نزنند.
 - ۳- در کارهای خیر با حکومت دست تعاون داده و همکاری کنند.
- زیر سایه عدالت اجتماعی و حکومت اسلامی کار هدایت و رهبری زندگی فردی و خانوادگی مردم را عالمان دین و دانایان به عهده می‌گیرند. علما و دانایانی که مردم از آنها پیروی می‌کنند، در کنار

۱- سورهٔ حدید، آیهٔ ۲۵.

۲- سورهٔ قصص، آیهٔ ۴.

۳- سورهٔ بقره، آیهٔ ۲۵۶.

۴- سورهٔ انعام، آیهٔ ۱۰۸.

۵- سورهٔ حجرات، آیهٔ ۶.

فهم قرآن و سنت و... مردم را مخلصانه، به راه خدا دعوت می‌کنند. در سایه حکومتی خدایی و در پرتو رهبری عالمان اهل عمل، مردم دنیایی پر از صلح و صفا و امنیت و رفاه خواهند داشت و از امکانات دنیوی استفاده کرده و سعادت ابدی را برای خود، فراهم می‌کنند.

خودت را امتحان کن.

- ۱- چرا انسان نمی‌تواند با پیروی کردن از خواسته‌های شخصی و یا نظرات دیگر انسان‌ها، راه سعادت را پیدا کند؟
- ۲- اساسی‌ترین وظیفه حکومت اسلامی چیست؟
- ۳- سه ویژگی از ویژگی‌های امام خمینی (ره) را بیان کنید.
- ۴- پس از رحلت امام خمینی (ره) چگونه رهبری جامعه به عهده مقام معظم رهبری قرار داده شد؟

